

حجاب در مقیاس مدرنیته

یادداشتی در باب اصل و حدود حجاب از نگاه نوآندیشان ایران و غرب

زهرا نجف‌زاده حکمران
نویسنده و پژوهشگر

میان حجاب و پوشش با زندگی روزمره مسلمانان، پیوندی عمیق وجود دارد و مشغله جدی ذهنی و عملی برای آنان ایجاد کرده است. درباره حجاب، بسیار سخن گفته شده و هنوز هم جای سخن فراوان دارد؛ چنان‌که بیش از یک‌صد سال است که درباره حجاب دینی، میان موافقان و مخالفان، بحث و گفتگوست. این مسئله به ویژه پس از انقلاب اسلامی و ورود دین به عرصه حکومت و اجتماع، اهمیت بیشتری یافت. امروزه پرسش‌ها و ایرادها درباره حجاب دینی رو به فزونی است و این امر، نشان از توجه بانوان به این مسئله دارد. البته این مسئله به بانوان مسلمان اختصاص ندارد؛ بلکه از جهتی بحث ملی است و درباره تمامی زنان ایران مطرح می‌شود؛ به گونه‌ای که مسئله حجاب که یک امر درون‌دینی و مختص بانوان مذهبی بوده، به سطح ملی و تمامی زنان جامعه سرایت کرده است. با گسترش جامعه و تضارب آرا و اندیشه‌های گوناگونی که در جامعه وجود دارد، باید با نگاهی تازه، وضعیت حجاب را در عصر پیامبر و دوران معاصر بررسی کنیم. مسئله حجاب از مسائل حساس و دشوار دین است؛ چنان‌که تاکنون از جنبه‌های فقهی، تفسیری، اخلاقی و تاریخی بررسی شده، ولی گوناگونی آرا چنان زیاد است که می‌توان گفت سخن گفتن در این باب پایانی نداشته و همچنان پرونده آن باز است و دست یافتن به حکمی قطعی درباره حجاب، بسی دشوار و شاید غیرممکن باشد.



محسن کدیور از جمله روشنفکرانی است که درباره حجاب شرعی، به تفصیل تحقیق کرده است. ایشان در ابتدا بیان می‌کند حجاب شرعی را در سه بخش می‌توان بررسی کرد: حجاب در قرآن، حجاب در روایات و حجاب در فتوا. سپس ضمن بررسی تمامی این موارد، نظر خویش را چنین اعلام می‌کند: مستفاد از آیات قرآن کریم این است که مردان و زنان مؤمن، موظف به پاک‌دامنی و دور نگاه داشتن نگاه‌هایشان از آلودگی هستند. زنان مؤمنه علاوه بر این دو تکلیف ایمانی، شرعاً موظف‌اند بدنشان را که زینت طبیعی است، در برابر افراد نامحرم حفظ کنند و اجازه ندهند از گردن تا زانو و بازوهایشان در هیچ شرایطی در معرض نگاه افراد نامحرم قرار گیرد؛ به‌ویژه موظف‌اند سینه خود را با پوشاک مناسب از دیده‌ها پنهان نمایند. در مورد پوشش ساعد پا، ساعد دست، گردن، صورت و مو دلیل قرآنی در دست نیست و عبارت «ما ظهرونها» در عصر نزول بر این مواضع دلالت می‌کرده است. اینکه در فتاوی فقهای «ماظهورنها» منحصر در گردی صورت، کفین و قدمین شده است، یقیناً مستند قرآنی ندارد و برخاسته از مفاد روایات است. اصولاً قرآن نیز انتظار نمی‌رود در این جزئیات وارد شود. به نظر می‌رسد این حداقل از پوشش بدن زن مؤمنه «گردن تا زانو و بازو» که عقلایی نیز هست، از احکام ثابت دینی است و یا شرایط متفاوت زمانی و مکانی کاهش نمی‌یابد. پوشش بیش از آن البته به چنین شرایطی بستگی دارد.^۱

کدیور از روایات درباره حجاب نیز نتیجه می‌گیرد که هیچ حدیث معتبری از شیعه و سنی از الفاظ پیامبر درباره حدود حجاب موی سر، خارج از نماز به ما نرسیده است. در میان اهل سنت، حجاب جاری، فهم صحابه از قرآن و سنت پیامبر است. در میان شیعه این حد از حجاب، مبتنی بر برخی اخبار احاد از امام باقر و امام صادق علیهما السلام است. اینکه سخنی از پیامبر در میان نبوده، تنها یک احتمال است. این دلیل لینی محتمل، اطلاق ندارد و در موارد مشکوک به قدر متیقن آن اخذ می‌شود. اینکه سخن محتمل پیامبر، حکم مخاطبین در شرایط زمانی مکانی خاص بوده یا تکلیف ثابت فراموشی، مشخص نیست. اینکه این حد از حجاب، فهم متشرعه بوده یا حکم شارع، این هم مشخص نیست. حجاب شرعی نه تنها عبادت نیست، بلکه در سوره احزاب، معلل به دلیل است؛ یعنی تعبدی محض نیست.^۲

رای فقهای کدیور نیز بدین شرح است: آنچه در زینت باطن بودن و وجوب پوشاندنش تردیدی نیست، از زیر گردن تا زیر زانوست، مو، سر و گردن زینت ظاهر است و پوشاندن آن در صورتی لازم است که در منطقه‌ای

مسئله حجاب، هم مورد توجه اندیشه سنتی و هم نواندیشان دینی بوده است. اندیشه سنتی بر این مبناست که حجاب و پوشش زنان، یکی از احکام مشهور و تردیدناپذیر اسلامی به شمار می‌رود که اصل آن، مورد وفاق همه مذاهب اسلامی است. در عصر حاضر، از نگاه ملت‌های مختلف، حجاب، یکی از مشخصه‌ها و نمادهای زن مسلمان شناخته می‌شود. البته موضوع حجاب زنان، اختصاص به آیین اسلام ندارد، بلکه در همه آیین‌های آسمانی مانند مسیحیت، یهودیت و زرتشت مطرح بوده و دیدگاه اسلام در تأیید آموزه‌های ادیان آسمانی قبل از خود است. بنابراین اصل حجاب، پدیده‌ای جغرافیایی، تاریخمند و نشأت گرفته از شرایط آب و هوایی خاستگاه اسلام، یا علاقه شخصی پیامبر و مردم، و یا شرایط خاص مردم جزیره‌العرب نبوده است.

نواندیشان دینی معتقدند احکام اجتماعی که در شرع آمده، جنبه موقت دارند؛ مگر آنکه خلافش ثابت شود؛ بر خلاف نظر فقها که معتقدند آنچه در شرع وارد شده، ابدی و جاودانه است. مطالعات تاریخی درباره نحوه شکل‌گیری اسلام و فقه اسلامی نشان می‌دهد که ماجرا به گونه‌ای دیگر است؛ یعنی شارع عمدتاً بر احکام و مقررات موجود و رایج در جامعه عربی صحه نهاده و آنها را در زمانه خود مصداق عدالت یافته است و هیچ دلیلی هم وجود ندارد که مقررات رایج و موجود در جامعه عربی آن زمان را بهترین مقررات ممکن در طول تاریخ بدانیم.^۱ حجاب نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نیازمند بازخوانی مجدد آن در متون دینی است. از گذشته‌اندیشمندان به این مسئله پرداخته‌اند: امروزه نیز نواندیشان دینی مانند محسن کدیور، احمد قابل و سروش دباغ در ایران، و نیز محمد سعید عشاوی، عبدالفتاح عبدالقادر، محمد سعید القدال، شحرور، نصر حامد ابوزید، محمد عابد جابری و فاطمه مرنیسی در جهان عرب، به نقد دیدگاه سنتی در باب حجاب پرداخته‌اند.

سخن از نواندیشان ایران و به‌طور خاص نواندیشان شیعه مذهب دشوار است؛ زیرا این مسئله از لحاظ فقهی، تفسیری، تاریخی و اخلاقی به‌طور مفصل بررسی شده و اقوال، بسیار متنوع و گوناگون است.

درباره حجاب شرعی یا مواضع واجب‌الستر بدن بانوان، تاکنون چهار قول در میان متفکران شیعه مطرح شده است: اول، وجوب پوشش تمام بدن، حتی صورت و کفین؛ دوم، وجوب پوشاندن تمام بدن و جواز باز بودن صورت و کفین (قول مشهور)؛ سوم، وجوب پوشاندن تمام بدن و جواز باز بودن صورت و کفین و قدمین؛ چهارم، برخی فقها معتقدند مواضع جایز‌الکشف، بیشتر از صورت و قدمین و کفین است.

■ در رویکرد منظومه‌ای، حجاب و پوشش زن، از جمله آموزه‌های کنشی اسلام و احکام تکلیفی مؤمنان است که بر آمده از نوع نگرش اسلام به انسان و هویت حقیقی زن است

تلازم با نجابت و عفاف داشته باشد. تازه این هم حکم ثانوی است؛ و آیه حکم اولی، پوشاندن آن واجب نیست؛ در حالی که زینت باطن، پوشاندن آن واجب است و ربطی به عرف ندارد. به عبارت دیگر، پوشش موی سر زن بیش از آنکه شرعی باشد، برخاسته از فرهنگ محلی و شرایط اقلیمی و زمانی خاص است. این رأی فقهی من از سال ۱۳۹۱ است.^۲



احمد قابل نیز از دیگر اندیشمندان عرصه روشنفکری ایران با ذکر مقدماتی، حجاب و پوشش سر و گردن را مستحب شرعی اعلام می‌کند و با بررسی آرای فقهی پیشینان بدین نتیجه رسیده که پوشش سر و گردن، امری اختلافی بین فقها بوده و برخلاف آنچه تاکنون ادعا شده، اجماع مسلمانان در این امر محقق نگردیده است. همچنین معتقد است در مقابل آیاتی که بر لزوم پوشش سر و گردن دلالت می‌کنند، برخی آیات و روایات معتبر مانند آیه ۵۹ سوره احزاب، ظهور در عدم وجود دارند که مقتضای جمع عرفی بیسن دلایل و وجوب و دلایل عدم و وجوب، تصرف در مدلول آنهاست؛ و اگر به این قاعده پایبند باشیم، نتیجه آیات و روایات نیز مؤید واجب نبودن پوشش سر و گردن می‌شود و تنها استحباب را ثابت می‌کند. از طرفی با نگاه تاریخی به عصر پیامبر، درمی‌یابیم واجب نبودن پوشاندن سر و گردن زنان برده مسلمان (که مقتضای دلایل نقلی و گرایش اجماعی است) نشان‌دهنده این امر بسیار مهم است که «در مرأی و منظر بودن سر و گردن هر زن مسلمانی حرام نیست»؛ به عبارت دیگر، «نه زن بودن و نه مسلمان بودن» دلیل وجوب پوشش سر و گردن نیست؛ چرا که زنان برده مسلمان، هم «زن» و هم «مسلمان» بوده‌اند و پوشش سر و گردن و حتی برخی اجزای دیگر بدن، بنا به اظهارات صریح برخی فقها بر آنها واجب نبود. حتی برخی معتقد به گراهِت یا حرمت پوشش سر برای زنان برده مسلمان بوده‌اند. احمد قابل پس از بررسی آیات قرآن، روایات و فتاوی فقیهان در تاریخ اندیشه شیعی، و بررسی تاریخی پوشش در عصر پیامبر، در نهایت بدین نتیجه رسیده که پوشش سر و گردن، امری مستحب است.^۳



سروش دباغ، از فیلسوفان اخلاق معاصر، با استشهاده به آرای نواندیشان عرب

و قرآن بزوهان و برخی فقها، از جمله احمد قابل که معتقدند پوشاندن موی سر و گردن حرمت شرعی ندارد، مسئله حجاب را از منظر اخلاقی بررسی کرده و سپس با مدد از نظریه دیوید راس مبنی بر «اخلاق وظایف در نگاه نخست» و نظریه «فرمان الهی» نتیجه می‌گیرد که فرمان خداوند مبنی بر ضرورت پوشاندن گردن و موی سر، در متن مقدس دلالت قطعی ندارد. بنابراین پوشاندن سر و گردن در روزگار کنونی قبح اخلاقی ندارد و مصداقی از کنش غیر عقیقله نیست؛ بلکه بستند کردن به حجاب عرفی و حفظ حریم در تنظیم مناسبات و روابط با جنس مخالف، علی‌الاصول اخلاقی است و در عین حال متضمن نادیده انگاشتن مراد شارع و خداوند نیست.^۴

نکته در خور توجه در رأی دباغ درباره حجاب، آن است که به نظر او حکم حجاب در سنت اسلامی، اولاً و بالذات صبغه هویتی و فقهی دارد، نه اخلاقی؛ به این معنا که اگر ملاحظه اخلاقی در اینجا در میان بود و پوشاندن گردن و موی سر، به‌طور اجتناب‌ناپذیر باعث تحریک جنسی مردان و زمینه‌ساز فساد در جامعه می‌بود، باید پرسید چرا این حکم علی‌الاطلاق برای همه زنان مسلمان نیامده است و زنان برده از پوشاندن موی سر و گردن معاف شده‌اند.^۵

در میان نواندیشان جهان عرب نیز بیش از یک‌صد سال است که مسئله حجاب مطرح است. نواندیشان مسلمانی همچون قاسم امین، طاهر حداد، نظیره زین الدین، جمیل صدیقی زهاوی، رصافی، رجب بیومی، عبدالقادر مغربی و... به این مسئله پرداخته‌اند.^۶ امروزه نیز نویسندگانی چون محمد سعید عسماوی، عبدالفتاح عبدالقادر، محمد سعید القفال، محمد عابد جابری، شجروی و فاطمه مرتیسی به نقد دیدگاه‌های دینی در باب حجاب نظر داشته‌اند.

نواندیشان عرب، اسباب نزول و شرایط تاریخی اسلام را یکی از مبانی اصلی و کلیدی در باب فهم آیات قرآن می‌دانند. به باور آنان شسماری از احکام اجتماعی، کیفری و اخلاقی قرآن، در پر تو اسباب نزول، در خور بازخوانی است و فهمی که از این نگاه به دست می‌آید، با فهم سنتی همخوانی ندارد. حجاب نیز به‌عنوان یکی از احکام اجتماعی اسلام، مورد توجه اندیشمندان نواندیش جهان عرب قرار گرفته است. از نگاه آنان قرائت سنتی از آیات حجاب، نتیجه بی‌توجهی به اسباب نزول آیات وحی است و اگر گذشتگان به اسباب نزول آیات توجه می‌کردند، معتقد به حجاب نمی‌شدند.

بیشترین توجه نواندیشان عرب، متمرکز بر چند آیه از قرآن است:

۱. آیه ۵۳ احزاب؛
۲. آیه ۵۹ احزاب؛
۳. آیه ۲۰-۳۱ نور.

درباره آیه ۵۳ سوره احزاب در منابع اهل سنت، شش سبب نزول، ذکر گردیده است.

فاطمه مرتیسی، نویسنده کتاب «زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش» پس از بیان سبب نزول آیه و بررسی تاریخی و مفهومی واژه حجاب، از پذیرش حکم حجاب به‌عنوان یک حکم شرعی سر باز می‌زند و دلالت آیه را بر حجاب مورد نظر فقها نمی‌پذیرد. او معتقد است با توجه به سبب نزول آیه در منابع اهل سنت، عبارت «فستلوهن من وراء حجاب» به معنای ایجاد محلی امن و محفوظ از نگاه دیگران برای زفاف پیامبر در ازدواج با زینب است، نه آنچه فقها به‌عنوان حجاب شرعی می‌شناسند.^۷

■ **عابد الجابری**

از این سبب نزول،

به علت حکم به

حجاب پل می‌زند

و در این باره

می‌گوید: علت

حکم حجاب، آن

است که جوانان

و مردان، زنان

آزاد را از کنیزان

باز شناسند و

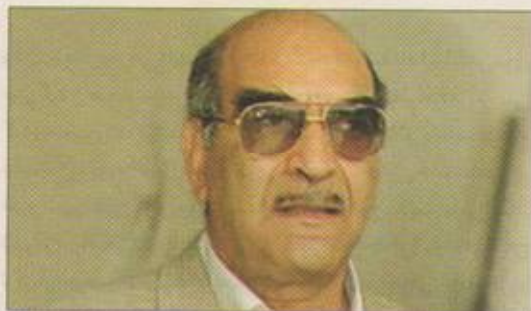
ایشان را مورد

اذیت و آزار قرار

ندهند و به ایشان

نگاه آلوده نداشته

باشند



محمد عبد جابری، محمد سعید عثمای، محمد سعید القفال، عبدالفتاح عبدالقادر و شحرور، بر خلاف فاطمه مرتیسی دلالت آیه بر حجاب را می‌پذیرند، اما آن را مختص زنان پیامبر می‌دانند و از پذیرش آن به‌عنوان حکمی کلی و عمومی سر باز می‌زنند.^{۱۰}

درباره آیه ۵۹ سوره احزاب نیز جابری فهم آیه را بدون در نظر داشتن شرایط عصر نزول و موقعیت اجتماعی آن عصر، ناممکن می‌داند. او درباره تأثیر سبب نزول در فهم آیه می‌گوید: «در گذشته برخی کوجه‌ها مسقف بود و مردان در دو طرف کوجه می‌نشستند و با یکدیگر گفتگو می‌کردند. وقتی زنان آزاده به همراه کنیزان برای قضای حاجت از منزل بیرون می‌رفتند، مردانی که در کنار کوجه نشسته بودند، به زنان متلک می‌گفتند و با اشاراتی خاص، آنان را آزار می‌دادند. این وضعیت به عرض پیامبر رسید و در پاسخ، آیه شریف نازل شد.»

عابد الجابری از این سبب نزول، به علت حکم به حجاب پل می‌زند و در این باره می‌گوید: علت حکم حجاب، آن است که جوانان و مردان، زنان آزاد را از کنیزان باز شناسند و ایشان را مورد اذیت و آزار قرار ندهند و به ایشان نگاه آلوده نداشته باشند. وی در ادامه بیان می‌کند علی‌که موجب تشریح حجاب شده است، از میان رفته؛ زیرا زنان در عصر جدید برای قضای حاجت به بیرون از خانه نمی‌روند؛ در عصر جدید برده و کنیز وجود ندارد؛ زنان مانند گذشته نیاز به همراهی کنیزان ندارند؛ و زنان و دخترانی که شغال هستند و در بیرون از منزل کار می‌کنند، اذیت نمی‌شوند. بنابراین از آن جهت که حکم دائر مدار علت است و با وجود علت پدید می‌آید و با رفتن علت معدوم می‌گردد، حجاب واجب نخواهد بود.



نصر حامد ابو زید، عبدالفتاح عبدالقادر و محمد سعید عثمای نیز به همین شکل از پذیرش حجاب سر باز می‌زنند و بر این باورند که چون علت حکم حجاب منتفی شده است، بنابراین حکم نیز از میان می‌رود.^{۱۱}

درباره آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور نیز شماری از نواندیشان عرب با استفاده از

اسباب نزول، قرائتی متفاوت مطرح می‌کنند. به باور عبدالفتاح این آیه تنها از پوشش سینه می‌گوید و علت این حکم چنان که از سبب نزول آیه به دست می‌آید، آن بود که زنان در زمان پیامبر، اطراف روسری‌شان را به پشت سر خود می‌انداختند و سینه خویش را نمایان می‌ساختند. بر این اساس، آیه شریف خواهان پوشش سینه است و هدف دیگری جز این پوشش در میان نیست. بنابراین علت حکم به حجاب، آن است که میان زنان باایمان و دیگرانی که سینه خود را نمایان می‌ساختند، تفاوت باشد. او در ادامه نتیجه می‌گیرد که حکم به حجاب یک حکم تاریخی است و نمی‌توان آن را در تمام زمان‌ها و مکان‌ها جاری ساخت و زنان مسلمان را به پوشش واداشت.

محمد سعید عثمای و احمد عقله نیز در این رأی با عبدالقادر همدستان هستند.^{۱۲}

با توجه به بیان اجمالی و گذرای آرای نواندیشان عرب و ایران، می‌توان گفت اندیشمندان ایران به‌طور مفصل و برپایه، مسئله حجاب را از منظر فقهی، روایی، تفسیری، تاریخی و اخلاقی بررسی کرده‌اند؛ اما نواندیشان عرب در بررسی امر حجاب تنها به اسباب نزول و تاریخ عصر پیامبر توجه کرده‌اند.

همچنین در مقایسه اندیشه سنتی و عقاید نواندیشان دینی درباره حجاب، باید اذعان کرد که آنان دو نگرش کاملاً متفاوت دارند و باید دقت کرد وقتی یک حکم انتخاب می‌گردد، چه لوازمی داشته و آیا صرفاً متکی به منابع دین بوده یا از علوم دیگر نیز استفاده کرده است؟

درباره نظریه نواندیشان می‌توان گفت که آنها بر خلاف اندیشه سنتی، تنها به متن دین وفادار نبوده‌اند؛ بلکه از مدرنیته، مبنای حقوق بشر، اخلاق مداری، انسان‌محوری و عقل مدرن نیز بهره گرفته‌اند.

پی‌نوشت:

۱. سروش، عبدالکریم، آیین شهرداری و دین‌داری، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، ج ۲، ۱۳۸۴، ص ۲۹۶.
۲. کدیور، محسن، «تأملی در مسئله حجاب»، بخش ۴، وب‌سایت رسمی محسن کدیور.
۳. کدیور، احکام حجاب، بخش سوم.
۴. همان، بخش ۲.
۵. قابل، احمد، «در مورد پوشش»، بخش ۱، وب‌سایت شریعت عقلانی.
۶. دباغ، سروش، حجاب در ترازوی اخلاق، بخش ۱، آدرس کانال تلگرامی: @soroushdabbagh و همسو، بی‌حجابی و بی‌عفتی؛ کدام غیر اخلاقی است، آدرس کانال تلگرامی: @soroushdabbagh، ص ۱-۲.
۷. بی‌حجابی و بی‌عفتی؛ کدام غیر اخلاقی است، ص ۲.
۸. مهریزی، مهدی، حجاب، تهران، کانون اندیشه جوان، ج ۷، ۱۳۸۹، ص ۹.
۹. مرتیسی، فاطمه، زنان پردنشین و تخمگان جوشن پوش، تهران، نشر نی، ج ۲، ۱۳۸۲، ص ۱۵۳-۱۷۰.
۱۰. بهرامی، محمد قرائت‌های نواز آیات حجاب، ص ۴۰-۴۴؛ فرجاد، محمد، دگردیشان عرب و اسباب نزول آیات حجاب، ص ۱۶۷-۱۷۰.
۱۱. بهرامی، محمد، قرائت‌های نواز آیات حجاب، ص ۴۵-۵۳؛ فرجاد، محمد، دگردیشان عرب و اسباب نزول آیات حجاب، ص ۱۷۱-۱۷۳.
۱۲. بهرامی، قرائت‌های نواز آیات حجاب، ص ۵۳-۵۹؛ فرجاد، دگردیشان عرب و اسباب نزول آیات حجاب، ص ۱۷۳-۱۷۴.

■ احمد قابل

پس از بررسی

آیات قرآن،

روایات و فتاوی

فقیهان در تاریخ

اندیشه شیعی و

بررسی تاریخی

پوشش در عصر

پیامبر، در نهایت

بدین نتیجه

رسیده که پوشش

سر و گردن، امری

مستحب است